**موضوع:**

[دین و اندیشه](https://www.ziaossalehin.ir/fa/category/61)›[قرآن و عترت](https://www.ziaossalehin.ir/fa/category/62)

حضرت آیت الله العظمی مظاهری؛

امام حسین«سلام الله عليه» براي احياي اسلام و تشيّع قیام کردند. طبق گواهی تاریخ، پس از شهادت ایشان، طولی نکشید که ریشۀ بنی امیّه خشکید و اسلام عزیز باقی ماند. از این جهت، تردیدی وجود ندارد که بقای اسلام و احیای تشيّع مرهون شهادت امام حسين«سلام الله عليه» است. امّا باید توجه داشت که پس از شهادت امام حسین«سلام الله عليه»، نوبت به امام سجّاد«سلام الله علیه»، حضرت زینب«سلام الله عليها» و اهل بیت امام رسيد که با اسارت خود،  موج شهادت و وقايع جانسوز کربلا را سراسري کنند. در واقع، اگر قضيۀ اسارت رخ نمي داد، موج کربلا در جهان منتشر نمي شد. پس از اسارت نيز موج شهادت، با عزاداري عالم گير شد. در واقع، حرکت حسيني، ابتدا با اسارت و سپس با عزاداري شیعیان، جاودان و سراسري  شد و هميشه باقی خواهد ماند. از این رو مي توان گفت: شهادت، اسارت و عزاداري در يک راستا هستند.

حضرت زينب«سلام الله علیها»، قافله سالار اسراي کربلا

حضرت زینب«سلام الله علیها» با تلاش و فداکاري فراوان، سفر اسارت را بسيار خوب اداره کرده، به ثمر رسانیدند. از این جهت، تشیّع، مرهون زحمات آن بانوی بزرگوار است.

البته در این میان نباید از نقش اساسی امام سجّاد«سلام الله علیه» در بقای تشیّع غافل شد؛ چراکه آن حضرت در مدّت سي  و چهار سال بعد از شهادت امام حسين«سلام الله علیه»، براي احيا و پرورش حرکت حسینی تلاش کردند و در آن دوران، تشیّع را در بين مردم جا انداختند و باعث شدند که شجرۀ طیبۀ قرآن، به بار بنشیند. امّا در روز عاشورا مصلحت تشیّع در بيماری امام سجاد«سلام الله علیه» بود؛ زیرا بیماری، مانع شهادت ایشان و عامل باقی ماندن امامت شد.

به هر حال، حضرت زينب«سلام الله علیه» در دوران اسارت، قافله سالار کاروان اسرا بودند و زیر نظر ولایت امام سجاد«سلام الله علیه»، اهداف اسارت را دنبال کردند. در حقيقت، اگر زینب نبود، نتایج متعالی از اسارت به دست نمی آمد و اهداف اصلی قیام امام حسين«سلام الله علیه» محقّق نمی شد.

شایستگی حضرت زینب«سلام الله علیها» برای به ثمر نشاندن قیام عاشورا

قافله سالاری کاروان اهل بیت«سلام الله علیهم» و به ثمر نشاندن خون شهدای مظلوم کربلا، لیاقت خاصّی می طلبید که حضرت زینب«سلام الله علیها» از آن لیاقت برخوردار بود. در حقیقت، حضرت زینب برای پیروزی در وظیفۀ خطیر و عظیمی که بر عهده داشت و نیز برای نتیجه گیری از شهادت و اسارت، نیازمند برخورداری از فضائل نیکوی اخلاقی و صفات حسنه اخلاقی بود. به عبارت دیگر، قافله سالار اسراي کربلا باید به صفاتی همچون صبر، گذشت، وفا، اخلاص، ایثار و از جمله شجاعت، متصّف باشد و زینب مظلومه چنین بود. ایشان، قضیۀ کربلا و وظایف خویش را در دوران طفولیّت، از مادر گرامي خويش حضرت زهرا«سلام الله علیها» آموخته بود. مثلاً طبق آنچه در برخي مقاتل آمده است، حضرت زهرا«سلام الله علیها» پیراهني که با دست مبارک خود، رشته و بافته و دوخته بودند، به زینب دادند که وقت وداع، به برادر بدهد و از طرف مادر، زیر گلوی او را نیز ببوسد. امیرالمؤمنین«سلام الله علیه» نيز دختر خویش را از واقعۀ کربلا آگاه ساخته بودند. پس، حضرت زینب«سلام الله علیها» از کودکی برای این حرکت سرنوشت ساز تربیت شده و برای سربلندی در این میدان، آماده شده بود و با اطلاع قبلی و با بصيرت کامل به کربلا آمده، خالصانه برادر خويش را همراهي کرد.

تبلور مراتب شجاعت در شخصيّت حضرت زينب«سلام الله علیها»

شجاعت، سه مرتبه يا سه معنا دارد؛ مرتبۀ اوّل شجاعت، نترسيدن از ديگران به خصوص نترسيدن از افراد زورگو و قدرتمند است. مرتبۀ دوّم شجاعت كه بالاتر از معناى اوّل است، تسلّط بر هوى و هوس و نفس امّاره است. امّا بالاتر از اين دو مرتبه، معناى سوّم شجاعت است؛ به این معنا كه انسان در جزر و مدّ روزگار خودش را نبازد. زینب مظلومه«سلام الله علیها» از هر سه مرتبۀ شجاعت، در حدّ اعلاي آن برخوردار بودند.

عزّت و اقتدار حضرت زینب«سلام الله علیها»

مرتبه اوّل شجاعت، به خوبی در شخصیّت حضرت زینب«سلام الله علیها» ظهور و بروز داشت؛ به گونه ای که در دوران اسارت و پس از آن، هیچ گاه از افراد زورگویی چون ابن زیاد و حتی یزید نترسید و در برابر سخنان ناحق و بی منطق آنان با عزّت و اقتدار تمام و با قاطعیّت ایستادگی کرد.

در مجلس ابن زياد، وقتي اسرا وارد مجلس شدند، حضرت زینب«سلام الله علیها» در گوشه ای از قصر نشستند که در دید نامحرم نباشند. ابن زیاد رو به سوی ایشان کرد و گفت: ديدي خدا با شما چه کرد؟ حضرت زينب«سلام الله علیها» برخاست و با شدّت فراوان فرمود:

«مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا هَؤُلَاءِ قَوْمٌ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ فَبَرَزُوا إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَ سَيَجْمَعُ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَتُحَاجُّ وَ تُخَاصَمُ فَانْظُرْ لِمَنِ الْفَلْجُ يَوْمَئِذٍ ثَكِلَتْكَ أُمُّكَ يَا ابْنَ مَرْجَانَة»[۱]

ایشان به بیان ساده فرمود: تو نمی فهمی! ما در این مسافرت، چیزی جز خوبی ندیدیم. اگر شهادت برادرم و اسارت ما و صحنه هاي توهين آمیز توست، به جز خوبی چیزی نیست، زيرا شهادت و اسارت، سرنوشت ما بود و ريشۀ شما را خواهد سوزاند. تشيّع براي هميشه احياء خواهد شد، امّا تو به زودی خواهی مرد. پس، منتظر باش ببین چه کسی رسوا می شود؟ مادرت به عزایت بنشیند!

ابن زياد از اين کلمات شجاعانۀ حضرت زينب«سلام الله علیها» به اندازه اي عصباني شد که دستور قتل حضرت زينب را داد، امّا مشيّت الهي اقتضا نکرد و نیّت شوم او عملی نشد.

در مجلس یزید هم حضرت زینب«سلام الله علیها» با شجاعت تمام، خطبۀ بسيار کوبنده ای خواند. آن جلسه به عنوان جشن پیروزی ترتيب داده شده بود، امّا سخنان قاطع حضرت زينب«سلام الله علیها» و امام سجّاد«سلام الله علیه» یزید را رسوا کرد و پیروزی ظاهری او را به شکستي مفتضحانه مبدّل ساخت.

حضرت زينب«سلام الله علیها» در مجلس یزید، در ابتدای سخنان خود بعد از حمد الهی، خطاب به یزید  فرمود: تو فکر می کنی که خداوند ما را ذلیل و تو را عزیز کرده است؟ هرگز چنین نیست؛ زیرا خدا به تو مهلت داده است که هرچه می خواهی ظلم کنی تا عذاب خود را زیاد کنی. پس، صبر کن و عاقبت خود را ببین. سپس آیۀ شریفۀ «وَ لا يَحْسَبَنَّ الَّذينَ كَفَرُوا أَنَّما نُمْلي‏ لَهُمْ خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ إِنَّما نُمْلي‏ لَهُمْ لِيَزْدادُوا إِثْماً وَ لَهُمْ عَذابٌ مُهينٌ»[۲] را قرائت کرد. در بخش دیگری از خطبه نیز می فرماید:  ای یزید! تو دشمن پیامبری. تو و کسانی که تو را بر حکومت نشاندند، به زودی خواهید فهمید که ظالمان چه جایگاه بدی دارند. هرچند مجبورم با تو سخن بگویم، امّا تو در نزد من خوار و کوچکی![۳]

رسوایی و ترس یزید، در اثر قاطعیّت حضرت زینب و امام سجاد«علیهماالسلام»

خطبه های کوبنده و رفتار شجاعانه و همراه با قاطعیّت حضرت زينب و امام سجّاد«سلام الله علیهما» در شام، چنان تأثیرگذار بود که بنی امیّه را رسوا و افتضاح کرد. حتی یزید که در ابتدا ادعای فراوانی در حقانیّت خود داشت، در نهایت و پس از آنکه رسوایی او آشکار شد، به ظاهر اظهار پشيماني کرد و همۀ تقصيرها را به گردن ابن زياد انداخت. سپس، بر خلاف توصیۀ برخی اطرافیان، نه تنها اسیران را نکشت، بلکه دستور داد آنان را به همراه تعدادی محافظ به مدینه ببرند و مراعات حالشان را بکنند؛ زیرا فهمید که بیش از این نباید بی آبرو شود. هنگام عزیمت کاروان نیز به امام سجّاد«سلام الله علیه» گفت: خدا لعنت كند پسر مرجانه را، اگر من با پدرت روبرو شده بودم، نمي گذاشتم او را بكشند. بعد گفت: تو وقتی به مدينه‏ رسیدی، هر درخواستی داشتی، نامه بنويس تا اجابت کنم.[۴]

حضرت زینب«سلام الله علیها»، مظهر وظيفه شناسی

برخورداري از شجاعت، حتي در مرتبۀ اوّل آن، اين توان را به انسان مي دهد که پس از تشخيص وظيفه، به آن وظيفه عمل نمايد و هراسي از موانع انجام وظيفه نداشته باشد. حضرت زينب«سلام الله علیها» چنين بود؛ يعني شناخت وظيفه و عمل به وظيفه در سيرۀ ايشان، به خصوص در مدّت اسارت به خوبي مشهود بود. به عنوان مثال، وقتي وظيفۀ ايشان اقتضا مي کرد که سخنراني کند و با خطبه خواندن، به افشاگري بني اميّه بپردازد، به خوبي به وظيفۀ خود عمل مي کرد و از هيچ کس ترس و واهمه نداشت. خطبه هاي حضرت زينب«سلام الله علیها» در بازار کوفه، مجلس ابن زياد، بازار شام و مجلس يزيد بسيار عالي و کوبنده بود و در تاريخ ثبت شده است. ايشان چنان خطبه مي  خواند که به تعبير راوي، گويا اميرالمؤمنين«سلام الله علیه» خطبه مي خواند. با شروع خطبۀ ايشان، همه ناگهان ساکت مي شدند و سخنان آن بانوي بزرگوار را مي شنيدند.[۵] حتي در همان روزهای اوّل اسارت، در کوفه، نزديک بود مردم با اطلاع از حقايق و با افشاگري حضرت زينب، بر عليه بني اميّه قيام کنند، امّا  چون شورش آنان در آن موقعيّت، منجر به سرکوب مي شد و نتيجۀ مطلوب، يعني انتشار سراسري موج کربلا را در بر نداشت، امام سجّاد«سلام الله علیه» مانع آن  شدند و  فرمودند:

«يَا عَمَّةِ اسْكُتِي ... أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ فَهِمَةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَةٍ»[۶]

عمّه جان صبر کن؛ شما عالم و زن فهميده اي هستيد که بدون معلّم به اين درجه رسيده ايد. حضرت زینب«سلام الله علیها» نیز بر حسب وظیفه شناسی سکوت اختیار کرد.

 تقواي حضرت زينب«سلام الله علیها»

مرتبۀ دوّم شجاعت، يعني غلبه بر هواي نفس نيز در شخصيّت حضرت زينب«سلام الله علیها» تجلّي بارزي داشت. پیامبر اکرم«صلّي الله عليه وآله وسلّم» مي فرمايند: شجاع ترین مردم کسی است که متّقی باشد:

«أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاه‏»[۷]

به تعبير آن نبيّ گرامي، شجاع ترين مردم کسي است که بر نفس خود مسلّط باشد؛ به همۀ واجبات مخصوصاً به نماز اهميّت دهد و در عمل به مستحبّات به خصوص نماز شب، انس با قرآن و خدمت به خلق خدا کوشا باشد و از گناهان و حتّی مکروهات اجتناب ورزد. چنين کسي با مداومت بر عبادت، به مقام عبوديّت نائل خواهد شد.

حضرت زینب«سلام الله علیها» به مقام عبوديّت رسيده بود و چنان در آن مقام پیش رفته بود که امام حسین «سلام الله علیه» هنگام خداحافظی، از او خواستند که در نماز شب هاي خود، به آن حضرت دعا کند. حضرت زينب«سلام الله علیها»، با ریاضت های ديني به مقام عبودیّت رسيده بود و در آن مقام، از نماز لذّت مي برد؛ زيرا بهترین لذت در مقام عبودیت، نماز، به خصوص نماز شب است. به تعبير قرآن، نماز شب انسان را به مقام محمود مي رساند؛[۸] مقامي که حضرت زینب«سلام الله علیه» از آن برخوردار بود.

  اهتمام حضرت زینب«سلام الله علیها» به نماز شب

نماز شب حضرت زینب«سلام الله علیها» هيچ گاه، حتّي در این مسافرت و در شام عاشورا، ترک نشد. شام عاشورا، براي حضرت زينب«سلام الله علیها» شب سختی بود؛ ايشان علاوه بر مصيبت از دست دادن شش برادر، دچار لشکری درنده خو شده بود و سرپرستی عیال و اهل حرم را نيز بر عهده داشت. امّا همین زینب«سلام الله علیها»، بعد از نماز مغرب و عشا، با کمک امّ کلثوم خيمۀ نيم سوخته اي را علم کردند، امام سجاد«سلام الله علیه» را در آن خیمه آوردند و به دنبال جمع  کردن بچّه ها از بيابان رفتند؛ بالاخره تا نيمه هاي شب، همۀ زنان و کودکان را جمع کردند و سپس کسي را فرستادند و از عمر سعد، مشک آبي گرفتند و بچه ها را سیراب کردند. وقتی از سر و سامان دادن امور کودکان و زنان فارغ شدند، نزد امام سجاد«سلام الله علیه» آمدند و نشسته، نماز شب خواندند. امام سجاد«سلام الله علیه» که از شدّت بیماری قادر به نشستن نبودند، خوابیده نماز شب مي خواندند و پس از نماز، به حضرت زینب«سلام الله علیها» فرمودند: عمه جان! ندیده بودم که نماز شب را نشسته بخوانید!

همۀ این وقايع براي ما پیام دارد؛ امام سجاد«سلام الله علیه» از نماز شب عمّۀ خود در آن شرايط بحراني تعجب نکردند، بلکه  فرمودند: چرا نماز شب را نشسته خواندید؟ حضرت زینب«سلام الله علیها» نيز پاسخ داد: می خواستم بایستم، اما زانوهایم تاب و توان ایستادن نداشت. دو شب پس از عاشورا کاروان اسرا در نيمه هاي شب، به پشت دروازۀ کوفه رسيد. طبق برنامۀ قبلي، آنها را نگه داشتند تا فردا با حضور مردم و هم زمان با جشن پيروزي، وارد کوفه شوند. زینب مظلومه«سلام الله علیها» در آن موقعيّت و در پشت دروازۀ کوفه نیز نماز شب خواند. در خرابۀ شام و در طول مسير مسافرت هم نماز شب حضرت زینب«سلام الله علیها» ترک نشد.

 امنيّت دل و آرامش دروني حضرت زينب«سلام الله علیها»

انسان در سايۀ تقوا، به امنيّت دل و آرامش درونی دست مي يابد. قرآن شريف در سورۀ انعام، با طرح يک سؤال و ارائۀ پاسخ روشن آن، نکتۀ دقيقي را به بشريّت مي آموزد. ابتدا مي پرسد: چه کسی استحقاق دارد که امنیت دل پیدا کند؟ سپس پاسخ مي دهد: کسی که ایمان را زيربنا و تقوا را روبناي ساختمان دين خود قرار دهد. به تعبير ديگر، کسي که با اعتقاد راسخ، تقيّد به ظواهر شرع دارد؛ يعني به انجام واجبات و مستحبّات اهميّت مي دهد و از محرّمات و مکروهات اجتناب مي ورزد، به آرامش درون، امنيّت دل و اطمينان قلبي خواهد رسيد و هدايت الهي نصيب او مي گردد:

«فَأَيُّ الْفَريقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ، الَّذينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إيمانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ»[۹]

حضرت زينب«سلام الله علیها» از مصاديق اين آيۀ شريفه به شمار مي رود. ايشان با ايمان قوي و تقواي مثال زدني، مشمول هدايت خاصّ الهي بود و از اين جهت، در آن بحران سخت، پيروز ميدان شد.

 ضرورت استقامت در جزر و مدّ روزگار

والاترين مرتبه از مراتب شجاعت، آن است که انسان در جزر و مدّ روزگار خودش را نبازد و در رويارويي با پيروزي هاي بزرگ يا هنگام رخ دادن مصيبت و بلا و در مواجهه با بحران، شخصيّت خود را حفظ کند و صبر و استقامت داشته باشد.

طبق روايتي از رسول خدا«صلّي الله عليه وآله وسلّم»، دنیا مانند دریايي متلاطم و عميق است و مخلوقات بسياري در آن غرق مي شوند: «الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ غَرِقَ فِيهَا خَلْق كَثِيرٌ»[۱۰]

اميرالمؤمنين«سلام الله علیه» نيز در بيان ويژگي هاي دنيا، آن را خانه اي پيچيده شده در بلا و مصيبت توصيف مي فرمايند: «دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ»[۱۱]

 اساساً خاصيّت دنيا اين است که روزی طبق مراد و خواستۀ انسان است و روزی هم بر خلاف میل او خواهد چرخید. اميرالمؤمنين«سلام الله علیه» در نامه ای به ابن عباس می نویسند: «وَ اعْلَمْ بِأَنَّ الدَّهْرَ يَوْمَانِ‏ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ»[۱۲]

بنابراین دنیا براي همه جزر و مدّ و بالا و پایین دارد و همه باید طعم سختی و آسانی را بچشند. باید توجه داشت که جزر و مدّ دریای زندگی در بسیاری از موارد، امتحان بندگان است؛ زیرا اساساً نوع بشر حتماً امتحان می شود: «أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا يُفْتَنُونَ، وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكاذِبينَ»[۱۳]

در این میان، انسان شجاع کسي است که در درياي موّاج و متلاطم دنیا، خويشتن را نبازد و خود را حفظ کند؛ اما متأسفانه بسیاری از انسان  ها چنين نیستند. قرآن کریم، انسان را ناشكيبا و كم‏طاقت توصیف می کند و می فرماید: هرگاه شر و صدمه‏اى به انسان برسد و در موضع سختی و بلا واقع شود، بي تاب می شود و عجز و لابه می کند و اگر خیری نصیب او گردد و در رفاه باشد، بخل می ورزد:

«إِنَّ الْإِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعاً، إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً، وَ إِذا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً، إِلاَّ الْمُصَلِّين»[۱۴]

نوع انسان سبک سر است، یعنی در جزر و مدّ روزگار مثل پَر کاهی، خودش را به حرکت موج ها سپرده و به هر سویی پرتاب مي شود؛ مگر کسی که جداً به مقام عبودیت رسیده باشد، مگر کسی که جداً مانند حضرت زینب«سلام الله علیها» از نماز شب استفاده کرده باشد. امتحان الهی براي همه، اعمّ از پير و جوان و زن و مرد، به شکل هاي گوناگون وجود دارد. اگر انسان در امتحان خود را نبازد و استقامت کند، پيروز مي شود و مي توان گفت: شجاع است. البته لطف و امداد الهی و هدایت خداوند نیز برای پیروزی در امتحان، لازم است. انسان بايد همّت و تلاش خود را ضمیمۀ عنایت پروردگار کند تا موفق شود.

 استقامت حضرت زينب«سلام الله علیها»

حضرت زینب«سلام الله علیها» از مرتبۀ سوّم شجاعت نیز به خوبی برخوردار بود. به خصوص در دورۀ اسارت که برای ایشان یک دریای پر تلاطم و موّاج بود، به اعتراف دوست و دشمن، از عهدۀ وظیفه و مسئوليت خود برآمد و هجوم مصائب و بلایا او را منزوی و منفعل نکرد. مثلاً در شام عاشورا پس از ديدن داغ شش برادر و دو فرزند و تحمّل مصائب فراوان، وظیفۀ حضرت زینب«سلام الله علیها» آن بود که گریه نکند و با صلابت و استواری، زنان و کودکان را که در بيابان متفرّق شده بودند، جمع کرده، از آنان محافظت نمايد. ايشان در آن شرایط سخت و حتی با مشاهدۀ صحنه اي که در آن دوتن از بچّه ها دست به گردن يکديگر، از فرط تشنگي از دنيا رفته بودند، مانند يک شيرمرد به خوبي ایفای نقش کرد.

خطبه های حضرت زینب«سلام الله علیها» و سخنرانی افشاگرانۀ ایشان در کوفه و شام، در حالی که چند روزی از عاشورا نمی گذشت، ناشی از استقامت و استواری آن حضرت بود.

  حیا، عفّت و غیرت حضرت زينب«سلام الله علیها»

آنچه به خصوص در زمان حاضر توجه جدی می طلبد، این است که خاندان وحی، از ابتدای مسافرت تا رسیدن به کربلا و پس از آن در دوران اسارت، هیچ گاه در حفظ حجاب خود کوتاهی نکردند و همواره پوشش مورد نظر اسلام را مراعات کردند. آنان در رعایت حیا نیز بسیار کوشا بودند و حتی در شرایط بحرانی اجازه ندادند، نامحرم به آنها خیره شود و خود نیز باحیا و با وقار بودند. زينب«سلام الله علیها» در این زمینه نیز قافله سالار بود و همواره با غیرت خاصّی از حجاب، حیا و عفّت زنان کاروان مراقبت می کرد. در مجلس یزید که قبلاً به برخی خصوصیّات آن اشاره شد، وقتي حضرت زينب«سلام الله علیها» احساس کرد که زنان و دختران اهل بیت در معرض دید افراد نامحرم قرار دارند، با تندی فرمود:

«أَ مِنَ الْعَدْلِ يَا ابْنَ الطُّلَقَاءِ تَخْدِيرُكَ حَرَائِرَكَ وَ إِمَاءَكَ وَ سَوْقُكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سَبَايَا قَدْ هَتَكْتَ سُتُورَهُنَّ وَ أَبْدَيْتَ وُجُوهَهُنَّ تَحْدُو بِهِنَّ الْأَعْدَاءُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ»[۱۵]

اى فرزند رهاشدگان[۱۶]، آيا اين از عدالت است كه تو زنان و كنيزان خود را در امنيّت و پشت پرده‏ بنشانى و دختران پيامبر خدا را در بند اسارت و در برابر دید دشمنان، در اين شهر و آن شهر بگردانی؟

در روز يازدهم محرم هم وقتي افراد لشکر دشمن براي سوار کردن زنان و کودکان و بردن آنها به کوفه آمدند، حضرت زينب«سلام الله علیها» به آنها تشر زد و اجازه نداد نزدیک زنان و دختران شوند. سپس، گرچه مشقّت داشت، امّا براي رعايت حیا و عفّت، خود ایشان با کمک امّ کلثوم، زنان و کودکان را سوار بر مرکب کردند. افزون بر این، برای تحریک عواطف و بیدار شدن کوفیان، نحوۀ قرار گرفتن آنها در مرکب را طوری طراحی و برنامه ریزی کردند که هر کودک یتیم در دامن یکی از زنان بنشیند.

 حضرت زينب«سلام الله علیها»، سرمشق زندگي

نتيجۀ عملي و اخلاقي بحث امشب اين است که همه بايد با مطالعۀ سيرۀ اهل بيت«سلام الله عليهم» آن بزرگواران را سرمشق خود قرار دهند.

نهضت امام حسين«سلام الله عليه» درس هاي اخلاقي فراواني دارد و شيعيان بايد علاوه بر عزاداري، به نکات درس آموز نهضت حسيني توجه و عمل نمايند. عاشورا، فضائلي همچون، صبر، ايثار، شجاعت و شهادت طلبي را به بشريّت مي آموزد. به خصوص دقّت در سيرۀ امام حسين«سلام الله عليه» و حضرت زينب«سلام الله عليها» و پيروي از آن بزرگواران سازندگي اخلاقي و معنوي دارد و راه انسان را در سلوک معنوي هموار مي سازد.

امام حسین«سلام الله علیه» به خاطر دین خدا، از همه چیز خود، حتّی از بچۀ شیرخوار خود گذشت، جوانان عزيز بايد با الگوگيري از ايشان، به خاطر دین خدا، دست کم از هوی و هوس  خود بگذرند و گناه نکنند؛ از دروغ، غيبت، تهمت و شايعه بپرهيزند و با اجتناب از حق النّاس و آزار و اذيّت مردم، به واجبات مخصوصاً نماز اهميّت بدهند و در خدمت به خلق خدا کوشا باشند.

همه بايد حضرت زينب«سلام الله علیها» را سرمشق خود قرار دهند و با رعايت تقوا و مداومت بر عبادت، به مقام عبودیت برسند. اهتمام حضرت زینب به نماز شب، بايد الگوي جوانان باشد تا موفق شوند.

شجاعت شگفت آور حضرت زينب«سلام الله علیها» بايد در زندگي شيعيان جاري شود و همه در شناخت وظيفه و عمل به وظيفه از همديگر سبقت بگيرند.

منبع:پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله حسین مظاهری
=================
پي نوشت ها:
۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶
۲. آل عمران / ۱۷۸
۳. بحار الأنوار، ج‏۴۵ ؛ ص۱۳۴
۴. الإرشاد للمفید، ج ‏۲، ص ۱۲۲
۵. اللهوف، ص ۱۴۶
۶. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۵
۷. امالي الصدوق، ص ۲۱
۸. اسراء، ۷۹
۹. انعام، ۸۱ و ۸۲
۱۰. تفسير الامام العسكرى(ع)، ص۴۳۱
۱۱. نهج‏البلاغة، ص۳۴۸
۱۲. نهج البلاغة؛ ص۴۶۲
۱۳. العنكبوت‏ / ۳-۲
۱۴. المعارج‏ / ۲۲-۱۹
۱۵. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۸
۱۶. اشاره به فتح مکّه و بخشیده شدن ابوسفیان و معاویه توسط پیامبر«صلی الله علیه وآله وسلم»